

دوفصلنامه علمی تخصصی

مطالعات تطبیق فقه

زن و خانواده

سال دوم، شماره سوم

پاییز و زمستان ۱۴۰۱

شیوه‌های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری بر بانوان در فقه امامیه

فاطمه نوری فاضل^۱

چکیده

در شریعت، برای هر جرمی مجازاتی تعیین شده که تعزیر، یکی از انواع مجازات بوده و شیوه اجرای آن برای مردان و زنان متفاوت است. آنچه در این تحقیق بررسی می‌شود (طرح مسئله) شیوه‌های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری بر بانوان در فقه امامیه است. هدف پژوهش نیز آگاهی دادن به جامعه زنان در راستای کاهش وقوع جرم و خطا است. همچنین استعانت در جلوگیری از وقوع خطا در نحوه اجرای تعزیر نیز از اهداف این تحقیق است. روش تحقیق این نوشتار، توصیفی - تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پژوهش، کتابخانه‌ای است که با مراجعه به منابع فقهی تکمیل شده است. در فقه امامیه، در باب اجرای تعزیر بر مجرمین، اعم از زن و مرد شرایطی ذکر شده است که به طور گذرا به آن اشاره گردیده است؛ اما جنبه نوآوری این پژوهش، شرایط اجرای تعزیر بر بانوان است. براین اساس، لازم است بانوان در هنگام اجرای تعزیر به صورت نشسته و دارای پوششی روی بدن باشند تا اندام آنها قابل رؤیت نباشد. دیگر اینکه مبتلا به بیماری اعم از حیض و استحاضه و نیز باردار و شیرده نباشند.

واژگان کلیدی: کیفر و مجازات، اجرای تعزیر، شرایط اجرای تعزیر، بانوان، فقه امامیه

۱. سطح ۲ حوزوی، رشته فقه و اصول جامعة الزهراء  yassemadine@gmail.com

مقدمه

انسان‌ها برای اینکه جامعه‌ای سالم داشته باشند، نیازمند وضع قوانین و مقرراتی هستند تا با پیروی از آنها و رعایت حقوق یکدیگر، جامعه‌ای سالم و منظم داشته باشند. با اجرای مجازات مجرمین، این آگاهی به جامعه داده می‌شود که رعایت نکردن حقوق متقابل، عقوبتی را نیز به دنبال دارد. ازجمله عواقب دنیوی انجام جرم، حدود و تعزیرات است تا از مصالح بنیادین جامعه پاسداری شود. در منابع فقهی، جرم‌هایی نام برده شده که حد مشخصی برایش بیان گردیده است؛ ازجمله: زنا، سرقت، ارتداد. در این میان، جرم‌هایی که برای آنها مجازات معینی ذکر نشده است، بسیارند و امکان دارد روزه‌روز بر تعداد آنها افزوده شود. راهکار شریعت برای مشخص نمودن نوع مجازات این جرایم، باب تعزیرات است که تصمیم‌گیری در مورد نوع مجازات را به عهده حاکم قرار داده است.

تعزیر در فقه امامیه به معنی هر نوع مجازات بازدارنده‌ای است که کمتر از حدّ باشد و متشکل از دو نوع شرعی و حکومتی است. جرم‌هایی که موجب تعزیر می‌شوند و در فقه امامیه به آن اشاره شده، چند مورد است؛ ازجمله: جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی، هتک حرمت و توهین، قذف بچه ممیز، سرقت کمتر از حد و... که ادله فقهی آنها، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

شرایط اجرای تعزیر، در منابع فقهی بیان شده و آنچه در این نوشتار به طور خاص مورد توجه است، بررسی شیوه‌های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری بر بانوان می‌باشد.

۱. کلیات و مفاهیم

این فصل در دو گفتار، به بیان کلیات و مفاهیم می‌پردازد.

۱-۱. کلیات

آنچه در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد بیان مطالبی مربوط به کلیات است که مطالعه آن، شناخت کاملی از موضوع این مقاله را به ارمغان می‌آورد.

۱-۱-۱. تبیین مسئله

فلسفه تشریع نظام کیفری اسلام، تشکیل جامعه سالم بر مبنای سالم سازی محیط زندگی و پیشگیری از جرایم است. نظر به اینکه یکی از حقوق خداوند متعال، اطاعت بندگان است، بشر پس از آشنایی با وظایف فردی و اجتماعی، باید از انجام هر جرمی خودداری ورزد. هرچند که بهترین راه برای پیشگیری از جرم، بالا بردن سطح فرهنگ و ایمان مردم است، اما بدون اجرای مجازات، عمل به قوانین الهی و رسیدن به جامعه سالم و ایجاد امنیت، امکان پذیر نیست. بنابراین اگر مخالفتی صورت گیرد، منجر به عواقب دنیوی و اخروی می شود. از جمله عواقب دنیوی انجام جرم، حدود و تعزیرات است تا از مصالح بنیادین جامعه پاسداری شود و بزهکاران، تأدیب و اصلاح گردند. در منابع فقهی، ده جرم نام برده شده که حد مشخصی برایش ذکر گردیده است؛ از جمله: زنا، سرقت، ارتداد و...، اما سایر جرم ها که بیشتر از موارد فوق است، مجازات معینی ندارد و مشمول احکام تعزیرات می باشد و حکومت در مورد آن تصمیم می گیرد.

مقدار و نحوه تعزیرات، مسئله ای است که به طور مستقل در شریعت به آن تصریح نشده است؛ بنابراین نهاد تصمیم گیرنده در تعیین مقدار و نحوه اجرای تعزیرات، حکومت است. دامنه تعزیر، محدود به احکام شرعی نیست؛ بلکه تعزیرات حکومتی را نیز در بر می گیرد. تعزیر شرعی مثل مجازات روابط نامشروع کمتر از زنا و تعزیر حکومتی مثل مجازات احتکار و گران فروشی. شیوه های تعزیر محدود به تنبیه بدنی نمی باشد؛ بلکه شامل زندان، جزای نقدی، توقیف مال، توبیخ علنی و تبعید می شود. مسئله تعزیرات، محدودیت جنسیتی ندارد و میان مجرم زن و مرد تفاوتی نیست، اما در نحوه اجرای آن تفاوت هایی وجود دارد. شیوه های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری، از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است؛ از جمله اخلاقی، اجتماعی، حقوقی و... که در این تحقیق، مسئله تعزیرات از بُعد فقهی بررسی می شود. آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد «شیوه های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری بر بانوان در فقه امامیه» است.

۲-۱-۱. پیشینه تحقیق

در طول تاریخ، انسان‌ها جرم‌هایی مرتکب شدند که مستوجب مجازات بوده است. برخی از این گناهان مثل قتل‌های بی‌لایه توسط قایل، مستوجب قصاص بوده است که در منابع شیعه و سنی، این قول را نزدیک به صواب دانسته‌اند که علت قصاص نشدن قایل، فراری بودن او پس از قتل است. برخی دیگر از گناهان، مستوجب تعزیر بوده است؛ از جمله خطای همسر ایوب علیه السلام که مورخین در مورد نوع خطایش اختلاف نظر دارند. البته به پاس وفاداریش در طول خدمت و پرستاری از همسرش، ایوب او را بخشید، اما چون قسم خورده بود برای حفظ نام خدا و اشاعه نیافتن قانون شکنی، این تنبیه را با رعایت شرایطی انجام داد. شاید بتوان این نوع تنبیه را یکی از موارد تعزیر در طول تاریخ انبیاء علیهم السلام دانست.

در منابع قدما از جمله کافی، المبسوط، شرایع الاسلام و... از تعزیر یاد شده است. در کتاب تعزیر و گستره آن، نوشته آیت‌الله مکارم شیرازی، تعریف و دایره تعزیر، مقدار و فلسفه تعزیر، طرق اثبات تعزیر و محدوده عفو حاکم شرع در تعزیرات بیان شده است. کتاب فقه الحدود و التعزیرات، نوشته آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی نیز به بررسی مفهوم تعزیر و ویژگی‌های مجازات تعزیری می‌پردازد. در کتاب حدود و تعزیرات و قصاص نگارش ابوالقاسم گرجی، برخی از موجبات تعزیرات نوشته شده است. مقاله‌ای هم با عنوان «تعزیرات منصوص شرعی در سایه حکم حکومتی» به قلم علی رضائزاد و محمد محسنی دهکلانی، به بررسی مفهومی و مصداقی تعزیرات منصوص شرعی پرداخته است. اما تحقیق حاضر، درصدد بررسی «شیوه‌های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری بر بانوان در فقه امامیه» است.

۳-۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

آنچه در این نوشتار حائز اهمیت است، استعانت در جلوگیری از وقوع خطا در نحوه اجرای تعزیر می‌باشد. ضرورتی که در بررسی این موضوع مشاهده می‌شود این است که

در منابع فقهی، به مسئله تعزیر بر زنان پرداخته نشده است و تحقیق حاضر، ضمن آگاهی بخشی به جوامع بشری، این خلأ پژوهشی را هم به حول و قوه الهی تکمیل می نماید.

۱-۱-۴. سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

شرایط اجرای تعزیر بر بانوان از منظر فقه امامیه چه می باشد؟

سؤالات فرعی

۱. چه جرم هایی موجب تعزیر می شود؟
۲. انواع تعزیر از منظر فقه امامیه چیست؟
۳. شیوه های اجرای تعزیر بر بانوان چگونه است؟

۱-۱-۵. فرضیات تحقیق

- الف) جرم هایی مانند هتك حرمت، قذف بچه ممیز، جرایم امنیتی و اقتصادی، سرقت کمتر از حد و روابط نامشروع کمتر از حد زنا، مشمول تعزیر می شود.
- ب) تعزیر به دو دسته شرعی و حکومتی تقسیم می شود.
- ج) شلاق زدن از روی یک پوشش نازک در غیر ایام بارداری و عادت ماهیانه، از جمله شرایط و شیوه های اجرای تعزیر بر بانوان از منظر فقه امامیه است.

۱-۲. مفاهیم

در این گفتار، دو مفهوم تعزیر و فقه امامیه بررسی می شود.

۱-۲-۱. تعزیر

در این قسمت، ابتدا تعریف لغوی و سپس معنای تعزیر در اصطلاح فقها و اصولیون بیان می شود.

لغت شناسان برای واژه تعزیر معانی مختلفی ذکر کرده اند؛ از قبیل رد، تأدیب و ملامت، ضرب دون الحد، اشد الضرب، توقیر و تعظیم، نصرت و یاری. اینک برخی از

اقوال لغت شناسان را در ارتباط با واژه تعزیر ذکر می‌کنیم.

تعزیر، یاری و نصرت همراه با احترام است و معنای دیگر آن، مجازات کمتر از حدود شرعی است. البته معنای دوم نیز به معنای اول بازمی‌گردد؛ زیرا آن هم تأدیب همراه با نوعی نصرت و یاری است. ریشه اصلی تعزیر، به معنی سرزنش و ملامت کردن است؛ همان گونه که ریشه اصلی آن، به معنای تازیانه کمتر از حد شرعی نیز می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۶۲).

همچنین تعزیر از حیث لغوی به این معنی نیز بیان شده است: تعزیر نوعی تأدیب است که خدای سبحان آن را برای جلوگیری گنهکار از تکرار گناه، و بازداشتن دیگران از آلوده شدن به گناه، وضع کرده است و تمام کسانی که واجبی را ترک می‌کنند که حد شرعی ندارد، مستوجب تعزیر هستند (مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۳، ص ۲۹۶).

همان گونه که ملاحظه می‌شود فقهاء تعزیر را منحصر به شلاق نکرده‌اند؛ بلکه هر کاری که باعث جلوگیری از تکرار گناه یا آلودگی به آن شود را تعزیر می‌دانند. آنچه از معانی مختلفی که لغت شناسان برای تعزیر بیان کرده‌اند، امور زیر استفاده می‌شود. لغویون در تفسیر کلمه تعزیر، سه دسته می‌شوند:

(الف) کسانی که معتقدند معنای اصلی، یک چیز است (یعنی نصرت، منع، تأدیب یا چیز دیگر) و معانی دیگر را به همان ریشه بازمی‌گردانند.

(ب) عده‌ای دیگر بر این اعتقادند که کلمه مذکور، معنای جامعی دارد و شامل تمام معانی دیگر می‌شود که اصطلاحاً مشترک معنوی گفته می‌شود.

(ج) گروهی نیز مشترک لفظی را پذیرفته و معتقدند این لفظ دارای معانی متعدد است. در ضمن معانی متفاوتی که برای واژه تعزیر گفته شد، از جهتی به دو دسته تقسیم می‌شود:

(الف) معانی مثبت: مثل تعظیم، تفخیم، نصرت، توقیر و مانند آن.

(ب) معانی منفی: مانند منع، تأدیب، ضرب، لوم و سرزنش، که جامع آنها منع است.

منظور از تعزیر در این مباحث، معانی منفی آن است. به عبارت دیگر، کلمه مذکور در نزد فقها در معانی منفی به کار می‌رود نه معانی مثبت؛ بنابراین در این مباحث، معانی مثبت آن مورد بحث فقها نیست.

نکته دیگری که در معانی لغوی مشهود است اینکه هر کاری که مجرم را از جرم بازدارد تعزیر نامیده می‌شود و هرگز منحصر به شلاق نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۲۲). آنچه که از کلام فقها در معنای تعزیر استنباط می‌شود این است که هر نوع مجازات بازدارنده‌ای را که کمتر از حد باشد، تعزیر گویند.

۲-۱. فقه امامیه

در این قسمت، ابتدا به تعریف لغوی فقه پرداخته می‌شود و در ادامه، یک تعریف جامع اصطلاحی از فقه امامیه ارائه می‌شود براین اساس، «فقه در لغت به معنای دانستن و فهمیدن است» (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲۴۳). تعریف لغوی دیگر از فقه اینکه: «الْفَقْهُ، بِالْكَسْرِ: الْعِلْمُ بِالشَّيْءِ، وَالْفَهْمُ لَهُ، وَالْفِطْنَةُ؛ فقه به معنی علم به چیزی، فهم به همان چیز و به معنی دوراندیشی است (فیروزآبادی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۱۷). همچنین موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق را «فقه» گویند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۰۲).

فقه در اصطلاح اصولیون و فقها، «مجموعه‌ای از قوانین، دستورات و امر و نهی‌هایی است که فقیه، آنها را از منابع و ادله تفصیلی استنباط می‌کند و موضع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می‌زند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد». به بیان دیگر، اگر غرض از خلقت انسان، عبودیت است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا پرستش کنند [و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند]» (ذاریات: ۵۶)، فقه، طریق عبودیت و بندگی را تعیین می‌کند و راه عملی آن را می‌آموزد و بر همین اساس، به آن «شریعت» و «منهاج» - به معنای راه - نیز گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۳).

معنای اصطلاحی فقه امامیه که در منابع فقهی مطرح شده، به این شرح است:

«فقه امامیه یکی از مذاهب فقهی در اسلام است. این مذهب از آن رو که پیروان آن از شیعیان دوازده امامی هستند، به فقه شیعه، و از جهت آنکه بسیار به گفته‌های منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام وابسته است، به فقه جعفری نیز مشهور است» (مدرسی طباطبایی و فکرت، ۱۳۶۸، ص ۳۴).

با این تعاریف، مفهوم فقه امامیه، عقاید و پیروان آن به طور کامل شناخته شد. بنابراین، تعزیر یعنی هر نوع مجازات بازدارنده‌ای که کمتر از حد باشد، و فقه امامیه نیز یکی از مذاهب فقهی در اسلام است که به فقه شیعه و فقه جعفری شهرت دارد. در تحقیق حاضر، این دو واژه، یعنی تعزیر و فقه امامیه، مورد بررسی قرار گرفت تا در فهم بهتر مطالب آتی مفید واقع شود.

۲. انواع و موجبات تعزیر

آنچه در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد بیان انواع تعزیر و بیان اسباب و موجبات تعزیر است.

۲-۱. انواع تعزیر

تعزیر دو نوع است: شرعی و حکومتی که در دو بند جداگانه بررسی خواهد شد. تعزیر که همان تأدیب، تنبیه یا عقوبت است برای کسی جاری می‌شود که آنچه را که سزاوار نبوده، مرتکب شده است؛ چه عصیان شرعی باشد و چه حکومتی. دلیل مشروعیت این تعزیرات، نفس دلیل مشروعیت احکامی است که مقتضی مصلحت عامه حکومتی است و نیاز به دلیل دیگری نداریم؛ چراکه مشروعیت حکومت، با ثبوت ولایت معنی پیدا می‌کند و از جمله دلایل آن، وجوب حفظ نظام عادل است و دلیل دیگر، محافظت از مصلحت عمومی است؛ چه سیاسی باشد، چه اقتصادی و چه اداری و چنین امری ممکن نمی‌شود مگر با مقرر کردن نظم و قوانین و رسومات. پس از آن باید متخلفین و متجاوزین از قوانین و منکرین مسئولیت‌هایشان را تنبیه و محاسبه کرد؛ چه تخلف اجتماعی باشد و چه اداری (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳، ص ۷۶).

بنابراین، تقسیم‌بندی که می‌توان برای تعزیر ارائه کرد، بدین صورت است: شرعی و حکومتی، و دلیل مشروعیت این نوع از تعزیرات، مصلحت عامه حکومت بیان شده است.

۲-۱-۱. تعزیر شرعی

تعزیر شرعی یکی از انواع تعزیر می‌باشد و تعریفی که فقها از آن بیان کرده‌اند بدین شرح است:

«غالب انواع تعزیر، مقدار معین و مقدرشده ندارد؛ لیکن در پاره‌ای از روایات، مقدار برخی از تعزیرات معین شده است؛ مانند کیفر انجام عمل زناشویی با همسر در روزه ماه رمضان و جمع شدن دو مرد برهنه در زیر یک لحاف و... که به این نوع از تعزیرات، تعزیر شرعی گویند» (گرجی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵).

اصطلاح دیگری با عنوان تعزیر منصوص شرعی مطرح شده است که بیان تعریف آن در این نوشتار، خالی از لطف نیست: «تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر، مشخص شده است. بنابراین، مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر به‌طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر شده، ولی نوع و مقدار آن معین نگردیده است، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود» (رضانژاد و محسنی دهکلانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰).

در انواع تعزیر شرعی، آنچه که در روایات، فراوانی دارد، تعزیر با شلاق است، اما در روایات، تعزیر منحصر در زندان یا شلاق نیست؛ بلکه از اندرزه‌های دوستانه، که سبب ترک عمل گردد، شروع می‌شود تا محرومیت موقت از بعضی حقوق اجتماعی و جریمه مالی و... و این اشتباه بزرگی است که تعزیر را منحصر به شلاق و حبس بدانیم. بنابراین، تعزیر مراتبی دارد؛ گاه از طریق اندرز و نصیحت است و گاه با سخنان تند و اعتراض شدید و برخی اوقات، شلاق، زندان و گاه جریمه مالی و در یک جمله، اشخاص و موارد با هم تفاوت دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱).

در شرع مقدس اسلام، آیات و روایاتی وجود دارد که در آن، مجازات‌هایی برای برخی از جرم‌ها بیان شده است که در این قسمت، به تفصیل به بررسی این موارد می‌پردازیم:

۲-۱-۱-۱. گوشزد کردن

گاهی عواملی باعث می‌شود که نوع مجازات تعزیری مجرم، صرف تذکر و گوشزد کردن باشد. بنابراین، همین مقدار از گوشزد کردن، برای تعزیر کفایت می‌کند؛ همچنان‌که از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده است که فرمود: «رُبَّ ذَنْبٍ مَقْدَارُ الْعُقُوبَةِ عَلَيْهِ اَعْلَامُ الْمَذْنِبِ بِهِ؛ چه بسا گناهایی که اندازه مجازات آن، گوشزد کردن گناه به مجرم باشد» (آمدی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۷۳). براین اساس، یکی از انواع تعزیر شرعی، گوشزد کردن گناه به مجرم است.

۲-۱-۱-۲. تبعید و کناره‌گیری از مردم و خانواده

یکی دیگر از انواع مجازات‌های تعزیری، تبعید و کناره‌گیری از مردم و خانواده است. رسول خدا (ص) هلال بن امیه، مراره بن ربیع و کعب بن مالک را به خاطر تخلف از جنگ و همراهی نکردن با پیامبر (ص) در سفر جنگ تبوک، تبعید کرد. آن حضرت مردم را از سخن گفتن با آنان منع فرمود و به زنان ایشان امر کرد از شوهرانشان کناره بگیرند تا آنکه عرصه بر آنان تنگ شد و خداوند گناهان آنها را بخشید و آیه ۱۱۸ سوره توبه در مورد آنان نازل گردید (طبرسی، ۱۳۳۸، ج ۳، ص ۷۹).

بنابر این آیه و روایت، یکی دیگر از مجازات‌هایی که جنبه بازدارندگی از جرم دارد، تبعید و کناره‌گیری از مردم و خانواده است و آنچه در پایان روایت مشهود است، بخشش خداوند پس از پشیمانی مجرمین از گناه می‌باشد. در کلام فقها، مسئله سقوط تعزیر با توبه نیز بیان شده است که: «تعزیر با توبه ساقط می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶).

۲-۱-۱-۳. حبس

در شریعت، از حبس به عنوان یکی دیگر از انواع مجازات تعزیری نام برده شده است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «يجب على الامام ان يحبس الفساق من العلماء والجهال من الاطباء والمفاليس من الاكرياء؛ امام باید دانشمندان فاسق، طبیبان نادان و کسانی که در عین ورشکستگی و نداشتن چیزی، دیگران را فریب می‌دهند و به تعهداتشان عمل نمی‌کنند، زندانی کند (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۲۲۱). در این روایت، به حبس کردن چند گروه که مرتکب جرمی شده‌اند دستور داده شده که نشان‌دهنده نوع دیگری از انواع تعزیر است.

۲-۱-۱-۴. شلاق

یکی دیگر از انواع تعزیر شرعی که شیوع فراوانی در روایات دارد، شلاق است. سکونی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «انّ امیرالمؤمنین علیه السلام اتی برجل اختلس دره من اذن جاریه، فقال: هذه الدغارة المعلنه، فضربه وحبسه؛ مردی را نزد امام علی علیه السلام آورده بودند که گوشواره‌ای را از گوش دختری سرقت کرده بود. آن حضرت فرمود: این تهاجم آشکار و منفوری بوده است. پس او را زد و زندانی کرد» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۵۰۳).

شلاق زدن با تازیانه، از موارد تعزیر شرعی است که در منابع فقهی به آن اشاره شده است. البته «اکثر فقها معتقدند تعزیر، اختصاص به زدن ندارد و عنوان زدن در روایات و احکام فقها، به دلیل سهل الوصول بودن آن یا به علت تأثیر بیشتر آن بوده است» (منتظری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۱۸). همچنین «دلیل اینکه برخی از فقها تعزیر را به تنبیه بدنی اختصاص داده‌اند این است که غالب تعزیر، تنبیه بدنی بوده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه مقدار شلاق باید زده شود، به عهده قاضی است. در منابع فقهی، یک مقدار حدودی و بینابینی مطرح شده است و روایاتی نیز وجود دارد که متضمن تعزیرات خاص است که در همان موارد خاص خود حمل می‌شوند. طریقه جمع میان روایات، همان گونه است که در روایت فقه الرضا علیه السلام نقل شده است: «التعزیر مابین بضعة عشر سوطا الى تسعة وثلاثين والتأديب مابین ثلاثة الى عشرة؛ مقدار ضربات در تعزیر، بین ۱۰ تا ۳۹ ضربه تازیانه است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۴۸). البته تفاوت

مقدار ضربات در تعزیر، به تفاوت جرایم و مجرمان برحسب موقعیت یا سوء سابقه بستگی داشته و یا آنکه منوط به مراتب تعزیر و شرایط زمانی و مکانی و... است. آنچه که مسلم است اینکه «اصل در تعزیر، عدم تعیین است» (گرچی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵). بنابراین تصمیم‌گیری در این امور به عهده قاضی است.

۵-۱-۱-۲. جرمه نقدی (تعزیر مالی)

در اینکه مجرم به وسیله مال - به صورت نابود کردن یا گرفتن از او - مورد تعزیر یا تنبیه قرار می‌گیرد یا خیر، دو دیدگاه است:

دیدگاه جواز: از آن روی که غرض از تعزیر، بازداشتن افراد از ارتکاب اعمال ناپسند است و چه بسا تعزیر مالی در رسیدن به این مقصود، مؤثرتر و بازدارنده‌تر و برای مجرم و اجتماع، نافع‌تر باشد، پس اطلاق ادله حکومت، بر جواز آن دلالت دارد و به علاوه، ادله مختلفی در مسائل گوناگون نیز وارد شده که صحت آن را به ذهن نزدیک‌تر می‌کند. از جمله سوره یوسف آیه ۷۴-۷۵ که در شریعت حضرت یوسف پیامبر (ع) نیز این گونه بود که اگر کالای سرقت شده در متاع کسی یافت می‌شد، شخص سارق، جزای عمل ناپسند خودش بود و او را به خاطر ارتکاب این عمل به بردگی می‌گرفتند.

دیدگاه عدم جواز: از آن جهت که احکام شرعی، توقیفی است و بستگی به نظر شارع مقدس دارد و نمی‌توان از آنچه در باب حدود و تعزیرات وارد شده، تجاوز کرد و موارد دیگر را به آن اضافه نمود.

همچنان که انسان به حکم عقل و شرع بر مال خویش مسلط است و بدون اجازه او نمی‌توان در اموالش تصرف کرد، همین گونه بر جان و بدن خودش مسلط است و بلکه این تسلط، به اولویت قطعی ثابت است؛ چراکه سلطه بر مال، از شئون و لوازم سلطه بر جان است. پس اگر برای تأدیب و بازداشتن از اعمال ناپسند بتوان با زدن و تنبیه کردن، سلطه وی بر بدنش را نقض کرد و حریم او را شکست، پس باید نقض سلطه مالی وی به طرق اولی جایز باشد. لکن به همان انگیزه و به همان مقدار که ضرورت دارد و چگونگی

و مقدار آن هم به عهده حاکمی واگذار شده است که به مصالح جامعه آگاه است (منتظری، ۱۳۶۶، ص ۵۰۷-۵۲۵). باین حال، آیت الله صافی گلپایگانی تعزیر مالی را جایز نشمرده و بلکه تصریح فرموده اند: «من هیچ یک از فقهای شیعه را نیافتم که به تعزیر مالی فتوا داده باشند؛ بلکه برعکس مرحوم علامه به طور جزم فرموده در تعزیر نمی توان مجرم را مجروح کرد یا مال او را گرفت. فقط در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه آمده که برخی از حنفیه تعزیر مالی را جایز شمرده اند به شرط اینکه پس از توبه، اموال وی به او مسترد گردد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۹۲). البته در ذیل به احادیثی اشاره می شود که اشاره به وجود تعزیر مالی در سیره ائمه علیهم السلام می کند:

۷۵

از خانواده مطالبات قضیه فقه

شیوه های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری بر بانوان در فقه امامیه

«قضى النبي صلى الله عليه وآله فيمن سرق الثمار في كفه: فما أكل منه فلا شيء عليه، وما حمل فيعزر و يغرم قيمته مرتين؛ پیامبر صلى الله عليه وآله در مورد کسی که میوه های نارس را که در پوست هستند از سر درخت ربوده بود حکم کرد که آنچه از آن خورده، چیزی بر وی نیست، اما آنچه را با خود برده، باید تعزیر شود و دو برابر قیمت آن را بپردازد» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۵۱۶). این روایت که دارای سندی معتبر است، صراحتاً به نوعی از تعزیر مالی اشاره دارد. آنچه از این روایت و روایات مشابه آن به دست می آید این است که تعزیر مالی به شکل از بین بردن مال یا گرفتن از صاحب آن چیزی است که اجمالاً در شرع وجود دارد و وجهی برای بعید شمردن آن وجود ندارد و انسان اطمینان می یابد که برخی از این روایات، اجمالاً از معصوم صادر شده است و علت اینکه فقهای امامیه متعرض این مسئله نشده اند از آن روست که «این گونه تعزیر نمودن مجرمین، از شئون حکومت است و آنان از حکومت برکنار بودند، چنان که بر صاحب نظران پوشیده نیست» (منتظری، ۱۳۶۶، ص ۵۲۱). بنابراین، ریشه اختلاف نظر فقهاء در این مورد، این است که ائمه علیهم السلام از حکومت برکنار بودند، و فقهاء نیز بر اساس روایات مورد اعتمادشان، احکام را صادر نموده اند.

حال که مجرم ملزم به پرداخت تعزیر می شود، در منابع فقهی، جایگاه نگهداری از آن مال ستانده شده نیز معرفی شده است: «اگر تعزیر به صورت تملک مالی باشد،

به بیت المال تحویل می شود و اگر به صورت بخشی از اموال باشد، باید نگهداری شود تا وضع مجرم روشن گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴).

تعزیر مالی یکی دیگر از انواع تعزیر شرعی است که در حال حاضر یکی از شایع ترین انواع تعزیر است. مواردی که مطرح شد، مواردی از انواع تعزیرات شرعی بود که در سیره ائمه علیهم السلام بیان شده بود و به آن تعزیر شرعی گویند.

۲-۱-۲. تعزیر حکومتی

تعداد جرم هایی که برای آنها مجازات مشخصی معین نشده، به مراتب بیشتر است. در این موارد، حکومت در تعیین نوع و مقدار مجازات تصمیم می گیرد که از آنها به عنوان تعزیرات حکومتی نام برده شده است. این بخش از تحقیق حاضر، درصدد بررسی تعزیرات حکومتی است.

فقهها در باب تعزیرات حکومتی، به تعریف بیان ادله فقهی آن پرداخته اند. تعزیرات حکومتی مجازات هایی است که حکومت ها برای متخلفان از قوانین و مقررات حکومت تعیین می کنند. «امام خمینی رحمه الله این نوع از مجازات ها را بازدارنده خوانده است؛ مثل تخلف هایی از جمله احتکار، گران فروشی و کم فروشی» (یوسفیان، ۱۳۸۱، ص ۴۸). قانون مجازات اسلامی، به عنوان قانونی برگرفته از شریعت اسلام، برای انواع جرم ها مجازات های تعزیری تعریف کرده است:

«در قانون مجازات اسلامی، سی جرم نام برده شده است که منجر به تعزیر می شود؛ از جمله: جرایم امنیتی، جرایم اقتصادی، خسارت به بیت المال، جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی، جرایم ضد حقوق و تکالیف خانوادگی، جرایم ناشی از تخلفات رانندگی و...» (زراعت، ۱۳۸۱، ص ۶۷۴). باشد که به حول و قوه الهی، با تعریف چنین مجازات هایی، جنبه بازدارندگی از جرم در کشور قوت یابد.

فلسفه وجود تعزیرات حکومتی در جامعه، دفاع از حقوق مردم توسط حکومت است. «تعزیرات حکومتی برای ایجاد نظم و مراعات مصلحت اجتماع و دفاع از

حقوق مردم توسط حکومت است. این امر از اختیارات ولی فقیه است و دلیل آن، ولایت مطلقه فقیه است که ولایت حق دارد برای حفظ حقوق اجتماع، قوانین، مقررات، احکام و دستوراتی را که لازم می‌داند وضع و صادر نماید. مقررات مربوط به تعزیرات حکومتی عموماً از این دسته‌اند. بیشتر در قوانین مربوط به تعزیرات حکومتی، به جای کلمه مجرم، از متخلف استفاده می‌شود و اغلب قوانین مربوط به تعزیرات حکومتی، به تخلفات اقتصادی مربوط می‌باشد» (یعقوبی، ۱۳۷۶، ص ۲۰).

با وجود تعزیرات حکومتی، متخلفین و شیادان به خود اجازه نمی‌دهند تا نظم عمومی را برهم زنند و حقوقی از افراد جامعه را زیر پا بگذارند. آنچه در متون فقهی در باب تعزیرات ذکر شده است؛ از جمله تعزیر شرعی و تعزیر حکومتی، در این گفتار بررسی شد و مصادیق تعزیر شرعی و انواع تعزیرات حکومتی در فقه و قانون اساسی بیان گردید.

۲-۲. موجبات تعزیر

این گفتار در صدد بیان جرم‌ها و گناهانی است که موجبات تعزیر را فراهم می‌کنند. البته در مورد اینکه تمامی گناهان تعزیر دارند ادله فراوانی وجود دارد؛ از جمله: «تمام گناهان کبیره و هرگونه تخلف از وظایف شرع، در صورت صلاحدید حاکم شرع، تعزیر دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱).

بسیاری از فقهاء علاوه بر گناهان کبیره، به تعزیر در گناهان صغیره نیز تصریح کرده‌اند: «باید مرتکب گناه صغیره هم تعزیر گردد؛ هرچند قائل شویم با ارتکاب آن، عدالت سلب نمی‌گردد و خداوند آنها را خواهد بخشید» (انصاری و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۸۹). در کلمات دیگر فقهاء، با بیانی دیگر چنین آمده است: «اخلال به هر واجب و انجام هر عمل ناپسند، از طرف شارع، عقوبت برای آن تعیین گردیده و تعزیر دارد» (حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۳۴).

اما آنچه که در ادامه می‌آید، مواردی است که در متون فقهی از آنها نام برده شده است.

۱-۲-۲. جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی

یکی از جرم‌هایی که منجر به تعزیر می‌شود، جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی است که در متون فقهی به آن اشاره شده است.

«دو نفری که زیر یک روانداز به صورت برهنه جمع شده‌اند و تنها باشند و بین آنها نسبتی نباشد و ضرورتی اقتضا نکرده باشد، هر دو بنابر نظر حاکم تعزیر می‌شوند و نظر نزدیک‌تر به احتیاط آن است که در مقام اجرا، همان حد است (یعنی به مقدار همان حد)؛ مگر یک تازیانه کمتر. همچنین اگر پسر بچه‌ای را از روی شهوت ببوسد، بلکه حتی اگر زن یا مرد کوچک یا بزرگ را ببوسد، تعزیر می‌شود» (موسوی الخمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۰۰). در این حکم شرعی، به تفصیل موارد این جرم را توضیح داده است.

همچنین در یکی دیگر از منابع فقهی، علاوه بر بیان جرم ضد عفت و اخلاق عمومی، مقدار شلاق تعزیری آن را هم مشخص کرده است: «هرگاه مرد و زنی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا، از قبیل بوسیدن، زیر یک لحاف خوابیدن، معانقه کردن و کامجویی‌هایی از این قبیل شوند، با شلاق تا ۹۹ ضربه تعزیر خواهند شد و اگر عمل با اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود» (حقیقی، ۱۳۹۴، ص ۱۰).

برخی گناهان، مشمول اجرای حد هستند، اما چون عملی فاحش و زشت است، حاکم علاوه بر حد، حکم تعزیر هم صادر می‌کند: «اگر مردی که همسر ندارد با زنی که مرده زنا کند، چون جنایت در اینجا فاحش‌تر و زشت‌تر است، علاوه بر حد، تعزیر هم می‌شود؛ هر چند که تعزیر زائد بر حد، محل تأمل است. همچنین است لواط با میت. اگر مردی که زنش فوت کرده، مرده او را وطی کند، فقط تعزیر می‌شود» (موسوی الخمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۲۶).

یکی از دلایلی که باعث می‌شود جرم‌های ضد عفت و اخلاق عمومی، سزاوار وجود تعزیرات باشند این است که فضای جامعه را لکه‌دار می‌کنند و این در شأن جامعه اسلامی نیست.

۲-۲-۲. هتک حرمت و توهین

در جامعه اسلامی، شأن یک مسلمان ایجاب می‌کند که به کسی با قول و فعلش توهین نکند و الا مستحق مجازات تعزیری است: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک مانند ای فاجر، ای شرابخوار و غیر اینها از الفاظی که موجب استخفاف دیگری، درحالی که مخاطب، مستحق آن نباشد، موجب تعزیر تاسی ضربه شلاق خواهد بود و اگر مخاطب، مستحق آن الفاظ باشد موجب چیزی نمی‌شود» (حقیقی، ۱۳۹۴، ص ۱۱). یکی دیگر از موارد هتک حرمت و توهین، دشنام دادن است که بر مرتکب چنین جرمی تعزیر وارد می‌شود: «هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و قذف نباشد، مانند اینکه کسی به زنش بگوید: تو باکره نبودی، یا کسی به دیگری بگوید: ای دیوث، تو حرام‌زاده‌ای، ای فرزند حیض و... موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه می‌شود» (موسوی الخمینی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۴).

همچنین در منبعی دیگر، این روایت وارد شده است: «اگر بگوید ای شوهر زن زناکار، یا ای خواهر زن زناکار، یا ای پسر زن زناکار، یا مادرت زنا کرده و امثال اینها، بنابراین قذف مخاطب نیست؛ بلکه قذف کسی است که زنا به او نسبت داده شده است. و همچنین است در صورتی که مثلاً بگوید: ای پسر فرد لواط‌کننده، یا ای پسر فرد لواط‌داده، یا ای برادر فرد لواط‌کننده، یا ای برادر فرد لواط‌داده، بنابراین قذف کسی است که فحشا به او نسبت داده شده است نه قذف مخاطب. بله البته به جهت اذیت و آزار مخاطب و هتک او در آنچه که برایش جایز نیست، تعزیر دارد» (همان، ص ۶۰۲). اصل در جامعه اسلامی، حفظ حرمت و احترام متقابل است و وضع قوانین تعزیری برای متخلفین این اصل، به دلیل حفظ حرمت مسلمان می‌باشد.

۲-۲-۳. قذف بچه ممیز

در شریعت اسلام، برای بعضی از جرایم، حد مشخص شده است؛ اما چون شخصی که مرتکب آن جرم شده به سن بلوغ نرسیده است، مستحق مجازات تعزیری می‌باشد:

«هرگاه بچه ممیز کسی را قذف کند، به نظر حاکم تأدیب می شود» (موسوی الخمینی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۴). قاضی در مورد این بچه تصمیم گیری می کند و نوع مجازات وی را تعیین می نماید. البته چون کودک است به جای لفظ تعزیر، از تأدیب استفاده شده است.

۲-۲-۴. نسبت های ناروا غیر از زنا

نسبت ناروای زنا دادن مستوجب حد است، اما نسبت ناروای غیر زنا دادن، مستوجب تعزیر است: «هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط، مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد، به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد» (حقیقی، ۱۳۹۴، ص ۱۲). همچنین در منبع دیگری، روایتی با این مضمون وارد شده است: «نسبت دادن به مساحقه و سایر اعمال زشت و فحشا، موجب حد قذف نیست؛ البته حاکم حق تعزیر شخص نسبت دهنده به اشخاص را دارد» (موسوی الخمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۰۱). معین شدن چنین مجازات های تعزیری برای مرتکب چنین جرمی، برای حفظ حرمت مسلمان است.

۲-۲-۵. سرقت کمتر از حد

سرقت، از جمله جرایم حدی است که شرایطی دارد و اگر تمامی شرایط را دارا نباشد، حد ساقط می شود، اما تعزیر باقی می ماند. در ادامه، ادله فقهی بیان می شود که شرایط اجرای حد بر سارق وجود ندارد، ولی تعزیر جاری می شود: «اگر بچه غیربالغ چیزی را بدزد، طبق نظر حاکم تأدیب می شود؛ اگرچه چندین بار دزدی کرده باشد» (حقیقی، ۱۳۹۴، ص ۱۲). همچنین «اگر نبش قبر کند و کفن را ندزد (عضوش) قطع نمی شود، ولی تعزیر می شود» (موسوی الخمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۱۶). هرچند در این موارد، حد ساقط شده است، اما تعزیر باقی می ماند تا جنبه بازدارندگی از جرم حفظ شده باشد.

۲-۲-۶. حلال شمردن محرمات اجماعی

در این قسمت، یکی دیگر از جرایمی که مستوجب تعزیر می شود بیان شده است: «کسی که چیزی از محرماتی را که مسلمانان بر تحریم آن اجماع دارند؛ مانند مردار،

خون، گوشت خوک، ربا و... را حلال بدانند؛ در صورتی که انکار او، به تکذیب پیامبر ﷺ یا انکار شرع منجر نشود، تعزیر می شود و اگر چیزی از محرمات را غیر از آنچه که شارع مقدس در آن حدی را معین کرده، با علم به تحریم آن، نه به این صورت که آن را حلال بداند مرتکب شود، تعزیر می شود؛ چه اینکه این محرمات از گناهان کبیره باشد یا صغیره» (همان، ص ۶۱۰). محرمات اجماعی و بدون اختلاف را حلال شمردن، نوعی تخطی از قوانین جامعه محسوب می شود که نباید بدون مجازات باقی بماند. بنابراین از موارد و موجبات تعزیر به حساب می آید.

۲-۲-۷. روابط نامشروع کمتر از زنا

زنا از جمله جرایمی است که مجازاتش حد است اما روابط نامشروع کمتر از زنا مستوجب تعزیر می باشد. مواردی از این گونه جرایم، در متون فقهی نام برده شده است که در ادامه به آن اشاره می شود: «خلوت با اجنبیه گناه است و تعزیر دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶). این گونه روابط، مستوجب تعزیر است و مقدار تعزیر آن را قاضی مشخص می کند.

«در وطی حیوانات، حدی معین نشده و قاضی مرتکب آن را تعزیر می کند و شرط شده که مرتکب آن در حال ارتکاب، بالغ و عاقل و مختار باشد و پای اشتباه در بین نباشد. بنابراین، کودک نابالغ، تعزیر نمی شود و اگر ممیز باشد و تأدیب حاکم در او مؤثر باشد، حاکم به هر مقدار که صلاح بداند او را مجازات می کند. تحقق چنین جرمی به چند طریق ثابت می شود: اول: به شهادت دو عادل، و در این جرم، شهادت زنان پذیرفته نیست؛ نه به تنهایی و نه به انضمام شهادت مردان. دوم: به اقرار خود مرتکب» (موسوی الخمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۲۵). اثبات این گونه جرایم، شرایط خودش را دارد و تا زمانی که این شرایط فراهم نشود تعزیری وارد نمی شود.

۸-۲-۲. اکراه به زنا

گاه خود شخص، مرتکب زنا نمی‌شود، اما شخص دیگری را وادار به زنا می‌کند که این مورد نیز در اسلام عقوبت شدیدی دارد: «اگر شخصی، زن و مردی را مجبور به زنا کند، تعزیر شدید دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶). ممکن است شخص معترض شود که مرتکب گناه زنا نشده است و فقط دیگری را مجبور به این گناه کرده است؛ درحالی‌که در منابع فقهی، چنین جرمی تعزیر شدیدی دارد.

۹-۲-۲. شهادت دروغ

شهادت دروغ از جمله جرایم تعزیری است که هم قاضی را در صدور رأی به اشتباه می‌اندازد و هم حق الناس را ضایع می‌کند.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «اِنَّ عَلِيًّا كَانَ اِذَا اخَذَ شَاهِدَ زَوْرٍ فَنَافَنَ غَرِيْبًا بَعَثَ بِهِ اِلَى حَيِّهِ، وَان كَانَ سَوْقِيَا بَعَثَ اِلَى سَوْقِهِ فَطَيَّفَ بِهِ ثُمَّ يَحْبِسُهُ اِيَّامًا ثُمَّ يَخْلِي سَبِيلَهُ؛ هَرْگَاهَ عَلِيٌّ عليه السلام بَر شَاهِدَ دُرُوغْگُوِيِي دَسْت مِي يَافَت، اِگَر غَرِيْب بُود او را به نَزْد قَبِيْلَه اش گَسِيْل مِي دَاشْت و اِگَر بازاری بُود او را به طَرَف بازاریش مِي فَرَسْتاد. پَس وِي را مِي گَرْدانَدَنْد و او را چنْد رُوْزِي حَبْس مِي کَرْد و سَپَس رَهائِش مِي سَاخت (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۲۴۴). در این روایت، چند نوع از مجازات را برای چنین جرمی بیان کرده که نشان دهنده قبح این جرم است.

۱۰-۲-۲. وقوع جرم در زمان و مکان مقدس

گاهی مرتکب جرم تعزیری را محکوم به تعزیر شدیدتری می‌کنند به دلیل اینکه جرم را در زمان یا مکان مقدسی مرتکب شده است: «کسی که مرتکب عملی شده و مستوجب تعزیر است اگر عاقل (در نسخه ای عامل) باشد و در روز یا شب بزرگ و محترمی همچون جمعه، عید، روز ماه رمضان یا شب آن یا در مکان محترمی همچون مسجد الحرام یا مسجد الرسول صلی الله علیه و آله یا مسجد کوفه یا در بعضی از مشاهد ائمه علیهم السلام یا

مسجد جامع یا مسجد محل دست به ارتکاب چنین جرمی زده باشد، در هنگام اجرای تعزیر بر او سخت می گیرند» (منتظری، ۱۳۶۶، ص ۶۳۱) که این شدت تعزیر، نشان دهنده قداست آن زمان و مکان خاص است.

همان طور که بیان شد، تمامی گناهان کبیره و برخی از گناهان صغیره، مستوجب تعزیر است که حاکم شرع در مورد مقدار آن تصمیم گیری می نماید. آنچه در این گفتار به آن پرداخته شد، جرم ها و گناهایی بود که در روایات و متون فقهی به آن اشاره و از آنها نام برده شده بود که موجبات تعزیر را فراهم می نمودند و بعضاً مقدار تعزیر را هم بیان کرده بودند.

در این فصل، انواع و موجبات تعزیر، مورد بررسی قرار گرفت؛ آنچه که در منابع فقهی در باب تعزیر شرعی و حکومتی وارد شده بود و مواردی از مصادیق تعزیر شرعی مطرح شد. سپس جرم ها و گناهایی بیان شد که موجب تعزیر می شود تا شناخت کامل تری را نسبت به این مسئله فقهی به دنبال داشته باشد.

۳. شیوه های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری بر بانوان در فقه امامیه

در روایات و ادله فقهی، برای اجرای تعزیر شرایطی ذکر شده است. بعضی از این شرایط، مربوط به فرد یا افرادی است که متصدی اقامه تعزیر می شوند؛ یعنی قضاتی که احکام تعزیری را صادر می کنند و مسئولیت اجرای آن را به عهده دارند. برخی دیگر مربوط به بزه کار بوده و بعضی از آنها مربوط به نفس تعزیرات است؛ یعنی با رعایت آنها، انجام تعزیر صحیح است. گرچه بسیاری از این شرایط، اختصاص به تعزیر ندارد و فقها آنها را در اجرای حدود و دیگر مجازات های اسلامی نیز مطرح ساخته اند، ولی به دلیل حساسیت مسئله، این پژوهش به آن دسته از شرایط که اختصاص به تعزیر هم ندارد، هرچند به صورت گذرا اشاره می کند.

از طرفی، دامنه مجازات های تعزیری بسیار گسترده است و غالب جرایم و معاصی را که در اجتماع رخ می دهد فرامی گیرد و از سوی دیگر، در تعزیرات، تصمیم قاضی و مصلحتی

که وی مد نظر قرار می دهد، به عنوان ملاک قرار می گیرد. در منابع فقهی، شرایط مشترکی از نحوه اجرای تعزیر بر آقایان و بانوان ذکر شده است که در ادامه به طور مختصر به آن اشاره خواهد شد و در مورد شرایط اختصاصی اجرای تعزیر بر بانوان، به نحو تفصیل بیان می شود. «برای کسی که مستحق تعزیر است شرایطی نیز معین شده است؛ از جمله این شرایط عبارتند از: علم به حرام؛ یعنی مستحق تعزیر، در وقت ارتکاب حرام بداند که آنچه که مرتکب شده، حرام و معصیت است. در غیر این صورت، حاکم مجاز به تعزیر او نیست. شرط دیگر، اختیار است. در حقیقت، مجازات کردن مجرمی که مجبور به انجام گناه شده را هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد. از دیگر شرایط ذکر شده، قصد انجام گناه (طباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۱۱۸)، قدرت تحمل تعزیر (زیدان، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۷۱)، سلامتی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۴۴)، داشتن حالت طبیعی (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۴۵۸)، عدم پناهندگی مجرم به حرم، عدم وجود مجرم در مملکت دشمن (همان، ج ۱۸، ص ۳۱۷) و عدم جواز اجرای تعزیر در مسجد می باشد.

در مورد عدم اجرای تعزیر در مسجد، از جانب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش شده است که اقامه حدود در مسجد را نهی فرموده اند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۳۶) و نیز امام علی علیه السلام سفارش می کردند اگر مستحق حد به مسجد آمده است، وی را خارج کنند. اما بعضی از فقها، بر لزوم رعایت این شرط در اقامه حدود ادعا نموده اند. عقل نیز تشخیص می دهد که به جهت حفظ احترام مسجد، باید از اجرای حدود در آن نهی شود. در این راستا، تعزیر و حدود مشترکند و تفاوتی در آنها دیده نمی شود (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۴۳۷-۴۴۰).

از دیگر شرایط مشترک اجرای تعزیر، شرایط آب و هوایی و زمان و مکان اجرای تعزیر است: «انه لا یضرب احد فی شیئ من الحدود فی الشتاء الا فی احر ساعه من النهار، ولا فی الصیف الا فی ابرد ما یکون من النهار؛ مستحق حد (و تعزیر) حکمش جاری نمی شود در زمستان، مگر در گرم ترین ساعت روز و همچنین حکمش جاری نمی شود در تابستان

مگر در سردترین ساعت روز (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۳۱۵). آنچه در این روایت به صورت پیش فرض قرار داده شده این است که تعزیر، از نوع شلاق و زدن باشد.

در دین مبین اسلام، حتی برای مجرمین نیز رأفت اسلامی جاری می شود و توصیه و سفارش ائمه علیهم السلام هم دلیل بر این مدعا می باشد: «نقل شده است که: امام موسی بن جعفر علیه السلام در مسجد نشسته بود. صدای مردی شنیده می شد که در روزی سرد به هنگام نماز صبح زده می شد. آن حضرت فرمود: چه خبر است؟ گفتند: مردی را شلاق می زنند. فرمود: سبحان الله! آیا در این موقع؟! در زمستان برای متخلف جز در گرم ترین ساعات روز و در تابستان جز در خنک ترین ساعات روز، حدی جاری نمی شود». واضح است که با تنقیح مناط و از راه قیاس اولویت، می توان حکم ضرب تعزیری را از این روایت استفاده کرد؛ زیرا وقتی حد با آن عنایت خاص شارع مقدس نسبت به آن، باید در موقع خاصی اجرا گردد، اجرای تعزیر که نسبت به حدود، در مرتبه پایین تری قرار دارد، به طریق اولی، محدود به زمان خاص می باشد» (منتظری، ۱۳۶۶، ص ۶۱۵). اجرای تعزیر به خودی خود منجر به ضعف جسمانی مجرم می شود، اما در نحوه اجرای آن توصیه شده است شرایط به نحوی مدیریت شود تا فشار کمتری بر مجرم وارد گردد.

۱-۳. نشسته بودن

دین مبین اسلام برای حفظ شأن بانوی مسلمان، تدابیر فراوانی اندیشیده است. در روایات و متون فقهی، سفارش هایی در مورد نحوه اجرای تعزیر بر بانوان وارد شده است که از جمله آن شرایط، نشسته بودن زن در حین اجرای تعزیر می باشد تا بر شأن و کرامت وی خدشه ای وارد نشود. بدیهی است که شرط نشسته بودن، اختصاص به تعزیر با شلاق دارد.

روایت ذیل، به تفکیک جنسیتی نحوه اجرای تعزیر اشاره دارد: «یضرب الرجل الحد قائماً، والمرءه قاعده ویضرب علی کل عضو و یترک الرأس و المذاکیر؛ تعزیر شلاقی بر مرد به نحو ایستاده وارد می شود و بر زن به نحو نشسته؛ و شلاق بر هر عضوی وارد می شود غیر از سر و آلت تناسلی» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۳۶۹).

همچنین روایت دیگری با همین مضمون از امام محمد باقر علیه السلام وارد شده است که فرمود: «متخلف مرد را باید به صورت ایستاده و متخلف زن را به صورت نشسته و بر هر عضوی از اعضای بدن شلاق زده می شود، مگر سر و آلات تناسلی» (منتظری، ۱۳۶۶، ص ۶۱۹). به نظر می رسد علت اجرای تعزیر به صورت نشسته این باشد که اندام وی در حین اجرای تعزیر نمایان نشود.

در قانون جمهوری اسلامی ایران نیز به تفاوت اجرای تعزیر بر آقایان و بانوان اشاره شده است: «در تبصره این ماده قانونی بیان شده است که حکم شلاق در مورد محکوم مونث، توسط مامور مجرب زن و بدون حضور مردان به نحوی که پوششی از نوع لباس متعارف داشته باشد، اجرا می شود» (ر.ک: رئیسی، ۱۳۹۸، مبحث ۵، ماده ۱۳۴).

آنچه در این قانون جالب توجه است اینکه اجرای تعزیر بر بانوان، به مامور اجرای احکام همجنس سپرده شده است و از اینکه تعزیر در حضور مردان اجرا شود ممانعت به عمل آمده است؛ مگر در موارد استثناء که اجرای حکم بنا به تشخیص قاضی باید در اماکن عمومی باشد که در آنجا، از حضور مردان ممانعت به عمل نمی آید، اما در مجرم زن، به حالت نشسته تعزیر بر او وارد می شود.

۲-۳. پوشش

آنچه در اجرای تعزیر بر بانوان به عنوان شرط بیان شده، مسئله پوشش است. این مسئله در دین مبین اسلام دارای اهمیت فراوانی است؛ تا آنجا که حتی در اجرای حدود و تعزیرات نیز به آن توجه و تاکید شده است که تمامی شرایط، برای داشتن حجاب بر بانوان در حین اجرای تعزیر فراهم شود. بدین منظور در کلام فقها، شرط پوشش برای مستحق تعزیر نیز وارد شده است: «بدن زن تماماً عورت محسوب می شود؛ پس نباید او را هنگام تعزیر لخت نمود و علت آن هم واضح است» (منتظری، ۱۳۶۶، ص ۶۲۰).

در قانون نیز به این مسئله اشاره شده که پوششی بر سرتاسر بدن قرار داده می شود

و سپس شلاق تعزیری وارد می‌گردد: «محکوم باید پوششی داشته باشد که بدن وی نمایان نشود» (ر.ک: رئیسی، ۱۳۹۸، مبحث ۵، ماده ۱۳۱).

در کلام دیگری از فقها نیز به این مسئله اشاره شده است: «بر زن باید درحالی که نشسته است و پوششی بر پوست دارد تعزیر جاری نمود؛ چراکه بدن زن عورت است و اگر در حالت ایستاده تعزیر جاری شود، احتمال دارد بدن کشف شود. بنابراین باید لباس او را محکم بر بدنش بست تا به خوبی بدن او را بپوشاند» (قمرشی، ۱۴۰۸، ص ۱۸۴). رعایت حجاب اسلامی از ضروریات دین به حساب می‌آید و همان طور که ملاحظه شد حتی در موارد خاص که حین اجرای تعزیر نیز از جمله موارد خاص محسوب می‌شود، از آن چشم‌پوشی نشده و برای چگونگی آن تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شده است.

۳-۳. عدم حیض و استحاضه

در شریعت برای زنی که مستحق تعزیر است و حاکم شرع برای او حکم تعزیر صادر کرده، شرط حیض نبودن نیز لحاظ شده است. همچنین به این مورد نیز اذعان شده است که اجرای تعزیر را تا رفع عذر شرعی به تأخیر می‌اندازند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يُقَامُ الْحَدُّ عَلَى الْمُسْتَحَاضَةِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الدَّمُ عَنْهَا؛ حَدُّ بَرِّ زَنْ مُسْتَحَاضَةٍ جَارِي نَمِي شُود تَا زَمَانِی کِه خُونِ رِزِی اَش قَطْع شُود» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۸، ص ۳۲۱). «روایتی که بیان شد، به عدم استحاضه بانوان در زمان اجرای تعزیر اشاره دارد که خود مؤید این مطلب می‌باشد» (انصاری و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۴۳۷).

در روایتی که در ادامه می‌آید، به لفظ مریض نبودن اشاره شده است. باتوجه به اینکه حیض و عادت ماهیانه، یکی از دوران‌های مریضی بانوان به حساب می‌آید؛ چراکه این دوران با دردها و ناراحتی‌های جسمی متعددی همراه است، می‌توان این روایت را به عدم حیض سرایت داد: «کسی که اجرای حد بر او واجب شده، ولی مریض است، واگذاشته می‌شود تا بهبود یابد، اما اگر مصلحت او در پیش انداختن اجرای حد باشد، شاخه‌ای از خرما را که

صد رشته داشته باشد یا چیزی همانند آن را تهیه کرده و با آن، یک ضربه بر مجرم می‌زنند و همین یک ضربه برای او کافی است. از راه تنقیح مناط و استفاده اولویت حکم ضرب تعزیری از همین روایت و روایات مشابه را نیز می‌توان به دست آورد» (منتظری، ۱۳۶۶، ص ۶۱۸).

علاوه بر روایات، دلایل فقهی دیگری در جهت اثبات این مدعا وجود دارد از جمله: الف) قاعده لاضرر و لاجرح، در مواردی که احتمال ضرر به شخص محترمی وجود دارد، اجرای حکم به تعویق می‌افتد.

ب) حکومت: اطلاق ادله وجوب اجرای مجازات، شامل فرد مریض می‌شود، ولی در چنین موردی، ادله نفی ضرر حاکم اند و آن را خارج می‌کنند.

ج) استصحاب عدم: در زمان ترس از سرایت مرض می‌توان برای عدم جواز اجرای مجازات، به استصحاب عدم استدلال نمود؛ زیرا شک در ضرر زائد، موجب شک در اندراج مورد تحت هریک از دلایل حاکم و محکوم می‌شود و با سقوط آنها از حجیت، اصول عملیه جریان می‌یابد. علاوه بر این، به استصحاب حرمت تا زمان ابراء هم می‌توان استناد نمود» (بخرد، ۱۳۹۷، ص ۱۰).

اجرای تعزیر شلاق بر مجرم، دارای تبعات جسمی متعددی است و ممکن است مجرم دچار لطماتی شود که روایات، دستور به تعویق انداختن اجرای تعزیر را تا زمان بهبودی کامل داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۴. عدم بارداری و شیردهی

زنی که جرم او ثابت شده و حاکم به تعزیر با شلاق حکم کرده است، قطعاً سزاوار همان حکم می‌باشد؛ ولیکن اگر باردار باشد بدون شک طفلی که در شکم دارد سزاوار آسیب احتمالی ناشی از اجرای تعزیر نمی‌باشد و هیچ وجدان بیداری این ظلم را نمی‌پذیرد. اسلام هم که داعیه‌دار و بنیانگذار رحمت و مهربانی است، در این مورد نیز تدابیر لازم را اتخاذ نموده و دستور به تعویق انداختن تعزیر را تا زمان وضع حمل صادر کرده است: «بعضی از مجازات‌ها بر زن حامله وارد نمی‌شود تا زمانی که وضع حمل

کنند» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۳۳۷). واضح است که دستور به تعویق انداختن تعزیر به بعد از وضع حمل، برای تأمین سلامت مادر و جنین می باشد.

در روایتی که در ادامه می آید، اشاره به اعتراض امیرالمؤمنین علی علیه السلام به حکمی است که قصد اجرای آن بر زن حامله ای را داشتند: «در زمانی که عمر، متصدی امور خلافت بود، دستور داد زن حامله ای را سنگسار کنند. علی علیه السلام زن را بازگردانید و به عمر گفت: آیا تو فرمان رجم این زن را صادر کرده ای؟ گفت: آری! این زن در محضر من به گناهانش اعتراف کرد. علی علیه السلام به او فرمود: این دلیل توسل علیه آن زن. اما چه دلیلی علیه بچه ای که در شکم حمل می کند داری؟ عمر جواب داد: نمی دانستم که حامله است. حضرت فرمود: اگر نمی دانستی باید کاری می کردی تا مطمئن شوی در رحم او بچه نیست. سپس آن حضرت فرمود: شاید تو بر این زن بانگ زده ای و یا او را ترسانیده ای؟ عمر گفت: چنین است. آن حضرت فرمود: آیا نشنیده ای که پیامبر صلی الله علیه و آله می گفت: هر کسی که پس از دچار شدن به آزار و بلا اعتراف نماید حدی جاری نمی شود و کسی که به بند درآید یا زندانی شود و یا مورد تهدید قرار بگیرد، اقرارش فاقد اعتبار است. آنگاه عمر آن زن را آزاد کرد و گفت: مادران ناتوانند از آنکه فرزندی همچون علی بن ابی طالب علیه السلام بزایند. اگر علی نمی بود، همانا عمر هلاک می شد. این روایت در منابع متعددی وارد شده و متواتر است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۰، ص ۲۷۷). بدیهی است آن تعزیری را در مورد زن حامله به تعویق می اندازند که از نوع شلاق و زدن باشد تا مادر و جنین از آسیب های احتمالی در امان باشند.

در مورد مادر شیرده نیز این قاعده رعایت می شود؛ به این صورت که «اگر به سبب قطع شیر مادر، به سلامتی طفل لطمه ای وارد شود، اجرای مجازات تا رسیدن طفل به سن دو سالگی به تعویق خواهد افتاد» (بخرد، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

علاوه بر آنچه در روایات وارد شده است و قاعده لاضرر، دلیل فقهی دیگری نیز برای جاری نشدن تعزیرات بر زن حامله و مرضعه وجود دارد: «قاعده اهم و مهم: میان اجرای مجازات و حفظ جان کودک، مسئله میان اهم و مهم مطرح می شود و در دوران

امر بین اہم و مهم، مورد مهم کہ حفظ جان نفس محترم است، مقدم می شود» (ہمان). تمامی موارد یادشدہ از شرایط اجرای تعزیر بر بانوان، مربوط بہ تعزیر با شلاق است؛ اما انواع دیگر تعزیرات ازجملہ تبعید، حبس و... در منابع فقہی بہ اینکہ در شرایط خاص و منحصر بہ بانوان اجرا شود، اشارہ نشدہ است. این موارد بہ طور قطع، بہ علم قاضی سپردہ شدہ است.

نتیجہ گیری

در فقہ امامیہ، در باب اجرای تعزیر بر مجرمین، اعم از زن و مرد، شرایط مشترکی ذکر شدہ است؛ ازجملہ: علم بہ حرام، اختیار، قصد انجام گناہ، قدرت تحمل تعزیر، سلامتی، داشتن حالت طبیعی، عدم پناہندگی مجرم بہ حرم، عدم وجود مجرم در مملکت دشمن، عدم جواز اجرای تعزیر در مسجد.

اما شرایط اختصاصی اجرای تعزیر بر بانوان این است کہ بہ صورت نشستہ باشند و پوششی روی بدن داشتہ باشند تا اندام آنها قابل رویت نباشد. دیگر اینکہ بیماری، اعم از حیض و استحاضہ نداشتہ باشند و باردار و شیردہ ہم نباشد؛ چراکہ این موارد، از روایات و ادلہ فقہی و ادلہ عقلی استخراج شدہ است.

تمامی آنچه از این شرایط بیان شد، در مورد تعزیر با شلاق بود و در مورد انواع دیگر تعزیر، تصمیم گیری بہ قاضی سپردہ شدہ و در منابع فقہی بہ آن اشارہ ای نشدہ است. امید است با آگاهی جامعہ از چگونگی و کیفیت اجرای تعزیر بر بانوان، از بروز خطا در شیوہ اجرای تعزیر، پیشگیری بہ عمل آید. بہ رسانہ های ارتباط جمعی توصیه می شود تا با تہیہ مطالب و برگہ های راهنما دربارہ شیوہ های کیفرگزینی و اجرای مجازات تعزیری بر بانوان، ضمن آگاهی بخشی بہ جامعہ هدف، بہ پیشگیری از وقوع جرم نیز یاری رسانند. بہ فعالان عرصہ تولید محتوا در فضای مجازی نیز توصیه می شود تا با تہیہ پیام ها و مطالب در باب شیوہ های اجرای مجازات تعزیری بر بانوان، ما را در رسیدن بہ اہداف ذکرشدہ یاری دہند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
۲. انصاری، محمد جواد و دیگران (۱۳۸۵ش)، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. آمدی، ابوالفتح (۱۳۷۵ش)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی.
۴. بخرد، مصطفی (۱۳۹۷ش)، «وجوه تخفیف مجازات زنان در فقه و قوانین موضوعه ایران»، فصلنامه حقوق بشر، سال سیزدهم، ش ۱، ص ۹-۱۵.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، الصحاح تاج الفقه و صحاح العربیة، محقق: احمد عبدالحمید غفار، بیروت: دار العلم للملایین.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، محقق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، لاحیاء التراث.
۷. حقیقی، لیلا (۱۳۹۴ش)، «انواع و شیوه تعزیر و مجازات های آن»، اولین کنفرانس علمی پژوهشی راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابرکوه، دوره اول، ص ۱۰-۳۲.
۸. حلی، محمد بن ادریس (۱۴۱۰ق)، سرائر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، محقق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم - دار شامیة.
۱۰. رضائزاد، علی و محسنی دهکلانی، محمد (۱۴۰۰ش)، «تعزیرات منصوص شرعی در سایه حکم حکومتی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، ش ۱۱۵، ص ۶۵-۸۲.
۱۱. رئیس، سیدابراهیم (۱۳۹۸ش)، آیین نامه اجرای احکام شلاق، تهران: قوه قضائیه.
۱۲. زراعت، عباس (۱۳۸۱ش)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی (کتاب پنجم)، تهران: ققنوس.
۱۳. شریعتمداری، جعفر (۱۳۷۱ش)، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر قرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۴ش)، تعزیر؛ احکام و حدود آن، بابل: مبعث.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ق)، مجمع البیان، مصحح: ابوالحسن شعرانی، تهران: مکتبه العلمیه.
۱۶. فریدونی، مریم و مرادی، فریده (۱۳۹۵ش)، درآمدی بر کیفر تعزیر از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه، تهران: مجد.
۱۷. فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۱۰ق)، قاموس اللغة، مشهد: شیرازگان.
۱۸. قمرشی، محمد بن احمد (۱۴۰۸)، معالم القربة فی احکام الحسبة، تحقیق وتصحیح: محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی مطیعی، قم: مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۹. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۱ش)، حدود تعزیرات و قصاص، ویراستار: محسن صفری، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. مدرسی طباطبائی، حسین و فکرت، محمدآصف (۱۳۶۸ش)، مقدمه ای بر فقه شیعه، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۲. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ق)، سلسله الینایع الفقهی، بیروت: دارالاسلامیه مؤسسه فقه الشیعه.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳ش)، تعزیر و گستره آن، تهیه وتنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۲۴. _____ (۱۳۹۴ش)، دایرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۲۵. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۶ش)، دراسات فی ولایه الفقیه وفقه الدوله الاسلامیه، ترجمه وتقریر: محمود صلواتی، قم: دار الفکر.
۲۶. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (۱۴۱۳ق)، فقه الحدود والتعزیرات، قم: مکتب امیرالمؤمنین دار العلم مفید.
۲۷. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲ش)، ترجمه مباحث حقوقی تحریر الوسیله، مترجمان: سیدمحمد موسوی و سیدعباس حسینی نیک، تهران: مجد.
۲۸. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲ق)، جواهر الکلام، محقق: عباس قوچانی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۲۹. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.

۳۰. یعقوبی، عبداله‌اشم (۱۳۷۶ش)، روش رسیدگی عملی به پرونده‌ها در شعب سازمان تعزیرات حکومتی، تهران: فردوسی.

۳۱. یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۸۱ش)، احکام قضایی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی